



جلسه ۲۳ (چ) ۹۰/۷/۲۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بعد از آنکه درباره مفهوم بیع و شرایط عوضین بحث کردیم اکنون در اسباب بیع بحث می کنیم یعنی اینکه بیع به چه سببی محقق می شود ، در اینکه بیع با إنشاء لفظی محقق می شود شکی نیست که به آن ایجاب و قبول می گوئیم اما بحث در این است که آیا بیع با إنشاء فعلی که به آن معاطات می گویند نیز محقق می شود یا نه؟ معاطات از باب مفاعله به معنای إعطاء طرفینی می باشد اما معاطات در ما نحن فیه معنای وسیع تری دارد یعنی هم شامل معامله ی نقد به نقد می شود و هم شامل معامله ای که یکی نقد و دیگری با تأخیر پرداخت شود نیز می شود مثل بیع سلم که ثمن نقداً پرداخت می شود ولی مبیع مدت دار است ، و همچنین شامل بیع نسبه که در آن مشتری مبیع را می گیرد ولی پولش را بعداً پرداخت می کند نیز می شود بنابراین تمام اقسام بیع مشمول بحث ما می شوند و همانطور که عرض کردیم باید ببینیم که آیا إنشاء فعلی نیز مانند إنشاء لفظی کارآیی دارد یا نه؟ .

دو مطلب را باید مقدمتاً بدانیم ؛ مطلب اول این است که اصل در بیع همان معاطات است زیرا در میان تمام ادیان و ملل در تمام ازمان مسئله داد و ستد یک امر رایجی بوده است و حتی قبل از اختراع پول ، کالاها را با یکدیگر معاوضه می کردند خلاصه معاملاتی که جریان داشته به همین صورتی که الان رواج دارد بوده یعنی بعد از مقدماتی (مقابله و گفتگو برای روشن شدن ارزش و قیمت کالای مورد نظر) مشتری پول را می داده و بایع نیز در مقابل کالا را به او تحویل می داده که همین دادن پول توسط مشتری و تحویل کالا توسط بایع با قصد خرید و فروش و تملیک و تملک إنشاء می باشد و البته گاهی چیزی به قصد هبه به کسی داده می شود که به آن إنشاء هبه می گویند و گاهی مبادله به قصد صلح و یا عاریه و یا اجاره و امثالهم صورت می گیرد که به آنها إنشاء صلح و عاریه و اجاره می گویند و در بیع هم همین گونه می باشد و قبلاً عرض کردیم که بیع از مقوله معنا می باشد که باید

با إنشاء در خارج محقق شود که البته این یک امر اعتباری می باشد یعنی اعتبار عقلاء بر این است که تاچندی که بیع با إنشاء بوجود نیامده نمی گویند که تملیک و تملک محقق شده یعنی تنها تصمیم و التزام ذهنی و قلبی کافی نیست بلکه آن تملیک و تملک باید إنشاء شوند .

مطلب دوم این است که إنشاء یک امر سهل المؤمنة می باشد و ما در حرکات و کارهای زندگی خودمان چیزهای بسیاری را إنشاء می کنیم و از چیزهای بسیاری خبر می دهیم مثلاً شخصی به شما می گوید امروز می خواهید چه کاری را انجام بدهید و شما می گوئید می خواهم فلان کار را انجام بدهم خوب همین که شما اراده و تصمیم خود بر انجام فلان کار را بیان می کنید یک نوع إنشاء می باشد بنابراین اگر از جریانی که در خارج تحقق یافته خبر دهیم اخبار است و اگر بخواهیم چیزی را ایجاد کنیم مثلاً بگوئیم قدری جلوتر بیاوید تا جا برای دیگران باز شود این إنشاء می باشد و این إنشاء گاه به قول است و گاه به عمل و در باب معاطات نیز همین که خرید و فروش و داد و ستد بین بایع و مشتری با قصد تملیک و تملک صورت بگیرد إنشاء می باشد پس إنشاء منحصر در إنشاء قولی نمی باشد .

خوب و اما ما أدله ای داریم که دلالت دارند بر اینکه معاطاة نیز مانند ایجاب و قبول لفظی در ملکیت مؤثر است و یکی از اسباب می باشد . امام قدس سره در جلد اول کتاب بیعشان ص ۸۹ اولین دلیل را سیره ذکر کرده است ایشان در آنجا می فرمایند ؛ نه تنها سیره ی مسلمانان بلکه سیره ی تمام عقلاء عالم بر این قائم بوده که معاملات را با معاطاة انجام می داده اند .

شیخ انصاری (ره) وقتی بحث معاطاة را مطرح می کند سیره را رد می کند و می فرماید این سیره در میان متشرعه ناشی از قلت مبالات آنها به دین می باشد : « و أما ثبوت السیرة و استمرارها علی التوریت (زیرا موقعی مورث ارث می برد که وارث مالک باشد) فهی کسائر سیراتهم ناش عن المسامحة و القلة المبالاة بالدين مما لا یحصی فی عباداتهم و معاملاتهم و سیاساتهم ، كما لا یخفی » ، اما

حضرت امام (ره) این کلام شیخ را قبول ندارد بلکه سیره را بسیار محکم و قوی می داند .

سید فقیه یزدی هم به کلام شیخ اشکال کرده و فرموده که انصافاً این کلام صحیح نیست زیرا این سیره به گونه ای است که ما قطع پیدا می کنیم که معصوم (ع) آن را ردع نکرده و بر آن صحه گذاشته است .

فقیه همدانی نیز کلام شیخ انصاری را رد می کند و می فرماید ؛ سیره فقهاء و صلحاء و عبّاد و مردم بسیار مقید به دین نیز بر همین جاری است که به معاطات عمل می کنند و آثار ملکیت را بر آن مترتب می کنند .

شیخ محمد حسین اصفهانی در ص ۲۵ از حاشیه بر مکاسب قائل است که این نه تنها سیره ی متشرعه بوده بلکه سیره ی همه ی عقلاء بوده و در همه ی ادیان نیز جاری بوده و در مرآی و منظر شارع مقدس بوده ولی آن را ردع نکرده و تقیه ای هم برای عدم ردع در کار نبوده لذا حجت است و کاشف از قول معصوم (ع) می باشد .

مرحوم فاضل ایروانی نیز در ص ۷۸ از حاشیه بر مکاسب می فرماید : « إنَّ هذه السيرة بهذا العظمة لو كانت فاسدة فعلى السيرة السلام » .

بنابراین اولین دلیل ما بر صحّت و حجّیت معاطات سیره می باشد که به عرضتان رسید ، بقیه بحث بماند برای جلسه بعد ...

والحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين